

در دفاع از سوسیالیسم (۱۹)
اتحاد علیه کودتا، مبارزه برای دموکراسی

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• با حوادثی که در این چند روز گذشته رخ داده، بحث حول تحریم و یا حضور در انتخابات دیگر موضوعیت خود را از دست داده است. این امر نباید بهانه‌ای برای تشتت صفوف و دوری ما از همدیگر شود. اتحاد و یکپارچگی رمز پیروزی ماست، و بایستی همچنان در دستور کار ما قرار داشته باشد ...

اخبار روز: www.iran-chabar.de

پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۸ ژوئن ۲۰۰۹

دهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ خرداد با حضور میلیونها هموطن-ما برگزار گردید. حضور میلیونها رأی دهنده که تعداد زیادی از آنها شاید برای اولین بار تجربه حضور در نمایش انتخاباتی از نوع جمهوری اسلامی را تجربه می-کردند، از وجوه مشخصه این دوره از انتخابات بود. میلیونها ایرانی بدنبال دست-یابی به خواست-های خویش از طریق مراجعه به صندوق-های آراء، تجربه-ای را برای چندمین بار روی نمونه-ای سترون آزمایش کردند. هرچند آراء مردم بنفع کاندیدایی در صندوق-های آراء ریخته شد که خود عضوی از نظام و متعهد به حفظ نظام بود، با این همه دستگاه دیکتاتوری حاکم این تغییرات اندک و غیر بنیادین را هم برناتفت. دستکاری گسترده و وقیحانه در آراء مردم، دهن-کجی آشکار به کسانی بود که خوشبینانه به تغییر از راه-های قانونی و در چارچوب نظام حاکم می-اندشیدند.

شعار میلیونها ایرانی که در کوچه و خیابانهای شهرهای کشورهای کشورمان فریاد برمی-آوردند: "موسوی، موسوی، رأی ما را پس بگیر" دلیلی قاطع بر صحت گزینه تحریم، و افشای ناباروری جمهوری اسلامی و مهر تأییدی بر عدم امکان تغییر در نظام، و اصلاح این نظام قرون وسطایی بود. حضور میلیونها نفر از هموطنان ما در تظاهرات خیابانی که دامنه آن هر روز گسترده-تر می-گردد، و عقب-نشینی-های رژیم از جمله قبول بازشماری آراء، علیرغم تبریک پیروزی به احمدی-نژاد توسط رهبر، شکستن ابهت جمهوری اسلامی، و جو وحشتی که طی سی سال بر کشور حاکم نموده-اند، با حضور میلیونی مردم در تظاهراتی که وزارت کشور آنرا غیر قانونی اعلام نموده بود، دلیلی محکم-تر بر درستی تصمیم تحریم کنندگان می-باشد. این تظاهرات بیشتر از همه نشان داد که خواست-های مردم از جمله تعیین سرنوشت دموکراسی و حقوق دموکراتیک نه در پای صندوق-های رأی، و نه در چانه-زنی-هایی که بدون حضور مردم در بالا صورت می-گیرد، بلکه در بطن جنبش-های اجتماعی و با حضور مردم مشخص خواهد گردید.

کودتاچیان به رهبری خامنه-ای در مقابل اعتراضات گسترده مردم، مانند گذشته سیاست مشت آهنین و سرکوب عریان را پیشه نمودند. دستگیرهای گسترده فعالین سیاسی، حمله نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی-ها به تظاهرات آرام مردم در اکثر شهرهای بزرگ، تهاجم وحشیانه به اجتماعات دانشجویی و خوابگاه-دانشجویان، و کشته شدن دهها مرد و زن ایرانی، پی-آمد سیاست ددمنشانه رژیم بود. ما ضمن محکوم نمودن سرکوب وحشیانه مردم و کشتار هموطنان آگاه و مبارز خود، خواستار آزادی تمامی دستگیر شدگان و محاکمه و مجازات عاملین و عامرین سرکوب و کشتارهای اخیر هستیم. ما شخص خامنه-ای و احمدی-نژاد را مسئول تمامی این جنایت-ها می-دانیم و از تمامی مجامع و افکار عمومی جهان، خصوصاً نیروهای آزادی-خواه و شخص بان-کن-مون رئیس

سازمان ملل متحد، خواهان دفاع از حقوق مردم ایران و افشای جنایت‌های رژیم هستیم. مردم ما کسانی را که به هر دلیلی حکومت جمهوری اسلامی با دولتی کودتایی‌اش را به رسمیت بشناسند، شریک سرکوب‌گران و مشوق جنایتکاران علیه حقوق بشر معرفی خواهند نمود. مسلماً هر حکومت دمکراتیکی که در ایران بر سر کار بیاید، مشارکت آنان در جنایات جمهوری اسلامی و باند خامنه‌ای - احمدی‌نژاد را فراموش نخواهد کرد.

حضور نزدیک به چهل میلیون ایرانی- طبق آمارهای دولتی- در انتخابات، که در نمایشات خیابانی قبل از انتخابات تمایل خود را برای تغییر بیان داشته بودند، هم حاکی از تمایل شدید و گسترده مردم برای گذر از جمهوری اسلامی، البته از راههای مسالمت‌آمیز بود. نمایشی چنین پرشکوه، حکومت را چنان غافلگیر و دستپاچه نمود، که در نحوه اعلام نتایج و تریک رهبر و سران نظام - آن هم قبل از تأیید شورای نگهبان- بخوبی مشخص بود. بیت رهبری با کودتایی از پیش طراحی شده به مقابله آشکار با خواست مردم برخاست. حضوری چنین گسترده- که می‌توانست به حساب جمهوری اسلامی گذاشته شود، با اقدامی نابخردانه- که از هر دیکتاتوری انتظار می‌رود، عملاً به فراندومی علیه نظام و "نه" بزرگی به جمهوری اسلامی، رهبر و ولی فقیه مبدل گردید.

از اهداف کودتاچیان به رهبری خامنه‌ای، برای چنین تقلب آشکاری، نشان دادن مشت آهنین به کسانی بود که خواهان تغییر و اصلاح نظام حاکم بودند. از طرفی دیگر دزدان نوکیسه نظامی که قبل از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد با راه-اندازی موسسات اقتصادی و با امکانات دولتی اقدام به انباشت ثروت-های هنگفتی کرده بودند. با بقدرت رسیدن احمدی‌نژاد، همراه با قدرت نظامی-ای که از قبل داشتند، قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی را هم یکجا در دست گرفتند. آنها دیگر حاضر نیستند در ثروت به یغما برده-شان از مردم، با دزدان قبلی شریک شوند. به همین دلیل دیگر حاضر به پذیرش فردی غیر خودی بر مسند ریاست جمهوری نمی‌باشند. تثبیت قدرت سیاسی برای تقویت قدرت اقتصادی باند حاکم امری ضروری و لازم می‌باشد. سناریویی که شاید در ادامه به ولایتعهدی مجتبی خامنه‌ای منتهی شود.

اعتراضات مردم توانست از رخنه‌ای که تقلبات انتخاباتی در پیکره نظام جمهوری اسلامی بوجود آورده بود، خود را بیرون بکشد. این اعتراضات صرفاً برای احیای ریاست جمهوری موسوی و به قدرت رساندن جناح دیگری از نظام حاکم بر مسند قدرت نیست. بلکه تلاشی برای طرد دیکتاتوری و بی‌عدالتی و نفی وضع موجود و رژیم ولایت فقیه- و خود نظام جمهوری اسلامی است. هرچند که موضوع تقلب در انتخابات و دزدیدن آرای مردم اهانتی آشکار و گستاخانه به شعور ایرانیان تلقی می‌گردد، در عین حال بموازات آن می‌تواند مستمسکی برای تشکیل جبهه وسیع دمکراسی-خواهی و دلیلی برای مبارزه مشترک علیه دیکتاتوری و بی‌عدالتی باشد.

بزرگترین آسیب جنبش-های اجتماعی ایران در یکصد سال پس از جنبش مشروطیت این بوده که، مردم ما علیرغم آنکه می‌دانند، که چه چیزی را نمی‌خواهند، اما بر آنچه که می‌خواهند آگاهی کامل ندارند. مشارکت فعال نیروهای چپ بایستی متوجه رشد آگاهی و متشکل نمودن توده-های زحمتکش جامعه، یعنی کسانی که چپ بدانها تعلق دارد، باشد. برای پیشبرد برنامه-ریزی شده جنبش و برای اجتناب از سازش و انحراف آن، لازم است برنامه-ای در عرصه مبارزه و با حضور طیف-های مختلف تدوین و بکار بسته شود. برنامه-ای که حاوی خواست-های فوری و آتی جنبش باشد.

با حوادثی که در این چند روز گذشته رخ داده، بحث حول تحریم و یا حضور در انتخابات دیگر موضوعیت خود را از دست داده است. این امر نباید بهانه-ای برای تشتت صفوف و دوری ما از همدیگر شود. اتحاد و یکپارچگی رمز پیروزی ماست، و بایستی همچنان در دستور کار ما قرار داشته باشد. نیروهای سیاسی و خصوصاً احزاب و

سازمان‌های چپ اگر نمی‌خواهند مانند انقلاب بهمن ۵۷، بار دیگر سرشان بی‌کلاه بماند، و مجدداً رهبری تحمیلی را تجربه کنند، اتحاد و همبستگی تنها و تنها کلیدی است که درب موفقیت را به روی آنان خواهد گشود. فرصتی که امروز در حال شکل‌گیری است، اگر نتوانیم بخوبی از آن استفاده کنیم شاید برای سال‌های مدیدی تکرار نشود. نبایستی چنان عمل کنیم که در هر مقطعی علیرغم تحمل هزینه‌هایی سنگین محصولی عایدمان نشود. و جنبش‌های اجتماعی و فعالین سیاسی سالهای دیگری را هم در یأس و نا‌امیدی سپری کنند. اتحاد نیروهای ترقی‌خواه و بطور اولی جریان‌های چپ می‌بایستی سالها قبل از این شکل می‌گرفت. متأسفانه با درایت و هدایت جمهوری اسلامی، چنین امری تا به امروز تحقق نیافته است. با این همه، اتحاد خواست دیرروز، امروز و فردای ماست. قبل از آنکه خیلی دیر شده باشد با ایجاد "جبهه متحد چپ ایران" به این خواست جنبش عدالت‌خواهانه و دمکراتیک کشورمان، پاسخی درخور بدهیم.

باید از جنبشی که در حال نضج است حمایت نمود، چپ‌ها و کمونیست‌ها بایستی در صف مقدم مبارزه و در پیشاپیش تظاهرات خیابانی و اعتراضات مردمی حضور داشته‌باشند. با حضور خود رنگ و بوی چپ را در جنبش دمکراتیک مردم کشورمان محسوس‌تر کنیم. بی‌آنکه به تقابل با خواست‌های مذهبی مردم کشیده شویم، با مذهبی کردن جنبش و دادن رنگ و بوی مذهبیو تحمیل مجدد حکومتی دینی در هر شکل آن مبارزه کنیم. اگر کسانی مدعی‌اند که این حرکت در راستای انقلابات مخملی و رنگین اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق شوروی شکل می‌یابد، چاره ما نه در کنار کشیدن از صحنه مبارزه، بلکه در حضور موثر و پر رنگ مان در عرصه مبارزه و البته سهم خواهی از رهبری جنبش اجتماعی کشورمان می‌باشد. عدم حضور ما به مثابه قبول رهبری اصلاح‌طلبان حکومتی و پذیرش سیاست "همه با من" خمینی خواهد بود.

چپ همواره از خواست مردم برای تغییر حمایت می‌کند. حتی اگر برای تحقق این منظور به روش‌های قانونی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی از جمله شرکت در انتخابات، متوسل شده باشند. علیرغم آنکه خود منتقد چنین شیوه‌هایی بوده، و در انتخابات گذشته هم به هیچ یک از کاندیداهای حکومتی رأی نداده باشد. باید با استیلائی روحیه یأس و ناامیدی در بین مردم و فعالین جنبش‌های اجتماعی مبارزه کرد. اگر چه کاملاً به ناپیگیری اصلاح‌طلبان و شخص موسوی واقفیم. سیاست ما در این مقطع، باید برای تعمیق شکافی باشد که در داخل طیف‌های معتقد به نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته است. بی‌آنکه بخواهیم توده‌های مردم و خصوصاً زحمتکشان را تحمیق نموده و از اصلاح‌طلبان رهبرانی برای جنبش اجتماعی کشورمان ترسیم نماییم. بایستی نوک پیکان حمله ما علیه کودتاچیان و بسمت باند حاکم خامنه‌ای- احمدی‌نژاد و نظامیان نشانه‌گیری شود. از طرفی دیگری با سازماندهی توده‌ها و فشار از پایین مانع از سازش سریع و آشکار اصلاح‌طلبان با کودتاچیان به رهبری خامنه‌ای شویم. با حضور مستمر و پیگیر می‌توانیم هزینه سازش را بالا ببریم، بنحوی که موسوی و یارانش به راحتی نتوانند بر سر مصالح و خواست‌های مردم مصالحه کنند.

رفقا! همه ما بر ناپیگیری اصلاح‌طلبان و شخص موسوی آگاهیم، ولی تا زمانی که آنها حداقلی از همراهی را با خواست‌های مردم دارند، ما در برابر آنان نخواهیم ایستاد. اما باید هوشیار بود که آنها بخاطر منافع طبقاتی خویش و بعثت نقش خود در سی سال حکومت سیاه جمهوری اسلامی و از ترس تعمیق مبارزات مردم و رادیکالیزه شدن جنبش، هر آن ممکن است با اصحاب قدرت سازش کرده یا از مبارزه کنار بکشند. باید برای ارتقاء آگاهی مردم و شناخت‌شان از ظرفیت‌های آنان تلاش کنیم. کانون مرکزی و مانع اصلی بر سر راه دمکراسی و عدالت اجتماعی را افشاء سازیم. با سازماندهی مردم در کمیته‌های اعتراض، نافرمانی‌های مدنی را شکل دهیم. اعتراضات مردمی

نمایستی به چند اعتراض خیابانی محدود شود. برای برپایی کمیته‌های اعتصاب، تحصن و تظاهرات خیابانی در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و در ادامه حتی در مدارس، برنامه‌ریزی نماییم. ایجاد چنین تشکل‌هایی است که فشار را بر سازشکاران افزایش خواهد داد. و در صورت سازش اصلاح‌طلبان دولتی و موسوی، کمیته‌های مزبور بطور منطقی خلاء ناشی از غیبت آنان را پر خواهند نمود. مراجعه به زنان و دانشجویان، به معلمین و پرستاران، و به کارگران و کارمندان می‌تواند در پیشبرد جنبش‌های اجتماعی و رادیکالیزه شدن آن کمک شایان توجه‌ای بنماید. کارگران صنعت نفت بار دیگر می‌توانند نقشی تعیین کننده در حیات سیاسی ایران ایفاء نمایند. اگر بتوانیم اعتراضات خیابانی و تظاهرات شبانه را به محلات پایین‌شهر و به میان کارگران و زحمتکشان بکشانیم، مطمئناً بقاء و دوام جنبش را تضمین خواهیم نمود. تداوم جنبش و رشد آگاهی‌های مردم رمز پیروزی و ابزاری مناسب برای تعمیق خواست‌های آنان بشمار می‌آید.

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران- اکثریت(داخل کشور)